

## الفعل المعلوم والمجهول بين العربية والفارسية

### الباحث : غازي لعبيبي

همیشه فعل متعدی<sup>(1)</sup> بر دو قسم میباید: فعل معلوم وفعل مجهول است، فعل معلوم فعلی است که فاعل آن معلوم باشد به تعبیر دیگری با فاعل نسبت داده شده باشد و برای توضیح آن در زبان عربی می‌گوییم: شرب فرید الشاي ( فرید جای نوشید).

### فعل مجهول

فعلی است که فاعل آن به علتی نام برده نشده باشد و آن را به مفعول نسبت داده باشند برای مثال در زبان عربی می‌گوییم: شرب الشاي ( جای نوشیده شد ) مفعول در این مورد چون به جای فاعل می‌نشیند و مانند فاعل مرفوع می‌گردد در زبان عربی ( نایب فاعل ) نامیده میشود.

بنا بر این در مثال اخیر فعل مجهول است و ( الشاي ) برای آن نایب فاعل می‌باشد. در زبان عربی همیشه حرف پیش از آخر در ماضی مجهول مکسور میباید، در عین حال حروف متحرکی که پیش از آن باشند مضموم میشوند، و آنرا باید مورد توجه پژوهشگر و مترجم به زبان عربی باشد، مانند: شرب ( نوشیده شد )، استخراج ( بیرون آورده شد )، در ماضی مجهول الف اگر حرف اصلی باشد به باء بدل می‌شود. مثال ماضی معلوم: قال (گفت) ماضی مجهول: قيل (گفته شد)، ماضی معلوم: دعا (خواند)، ماضی مجهول: دعی ( خوانده شد )، در فعل هر گاه الف زاید باشد - در زبان عربی - به واو تبدیل می‌یابد، مثال: ماضی معلوم: عاهد (پیمان بست)، ماضی مجهول آن: عوهد (پیمان بسته شد)، ماضی معلوم: تنازع (کشمکش کرد)، ماضی مجهول: تنوزع ( کشمکش کرده شد )، در مضارع مجهول واو و یاء اصلی به الف مبدل می‌شوند. مثال مضارع معلوم: يقول ( می‌گوید )، مضارع مجهول آن: يُقال (گفته می‌شود)، مضارع معلوم: يدعو ( فرا می‌خواند )، مضارع مجهول: يدعی ( فرا خوانده می‌شود )، هر گاه فعلی به واسطه یکی از حروف اضافه متعدی می‌شود، دارای يك صیغه<sup>ء</sup> ماضی مجهول و يك صیغه<sup>ء</sup> مضارع میباید برای مثال: رُغِبَ في المجلة ( به مجله رغبت حاصل شد )، يُرغَبُ في المجلة ( به مجله رغبت حاصل می‌شود).

### چگونه از فعل معلوم، فعل مجهول بسازیم

برای مجهول ساختن فعل در جمله، بدین ترتیب عمل می‌شود:

( بن ماضی فعل + هـ ) + صیغه ای از خانواده<sup>ء</sup> ( شدن ) یعنی می‌توانیم از گشتن، گودیدن و آمدن در جمله به صورت مجهول در می‌آید و فاعل حذف می‌شود، یعنی نشانه ( را ) از بین میرود و مفعول بجای فاعل می‌نشیند، مانند:

- من نامه را نوشتم .
- او کتابها را آورده است.
- نامه نوشته شد.
- کتابها آورده شده است.

(( فعل مجهول همیشه از فعل متعدی ساخته می شود و در حکم فعل لازم است، از فعل لازم نمی توان فعل مجهول ساخت. مثلا نمی توان گفت: رفته شد))<sup>(1)</sup>، افعال زیر زمانهای گوناگون فعل مجهول را از مصدر ( زدن) نشان می دهد:-

زده شدم: ضُرِبْتُ.	زده شدیم: ضُرِبْنَا.
زده شدی: ضُرِبْتَ.	زده شدید: ضُرِبْتُمْ.
زده شد: ضُرِبَ.	زده شدند: ضُرِبُوا.

**ماضی استمرای**

زده میشدم: كُنْتُ أُضْرَبُ.	زده میشدیم: كُنْتُمْ تُضْرَبُونَ.
زده میشدی: كُنْتَ تُضْرَبُ.	زده میشدید: كُنْتُمْ تُضْرَبُونَ.
زده میشد: كَانُ يُضْرَبُ.	زده میشدند: كَانُوا يُضْرَبُونَ.

#### ماضی قریب

زده شده ام: قَدْ ضُرِبْتُ.	زده شده ایم: قَدْ ضُرِبْنَا.
زده شده ای: قَدْ ضُرِبْتَ.	زده شده اید: قَدْ ضُرِبْتُمْ.
زده شده است: قَدْ ضُرِبَ.	زده شده اند: قَدْ ضُرِبُوا.

#### ماضی بعید

زده شده بودم: كُنْتُ قَدْ ضُرِبْتُ.	زده شده بودیم: كُنَّا قَدْ ضُرِبْنَا.
زده شده بود: كَان قَدْ ضُرِبَ.	زده شده بودند: كَانُوا قَدْ ضُرِبُوا.

#### ماضی شکی

زده شده باشم: اَكُونُ قَدْ ضُرِبْتُ.	زده شده باشیم: نَكُونُ قَدْ ضُرِبْنَا.
زده شده باشی: تَكُونُ قَدْ ضُرِبْتَ.	زده شده باشید: تَكُونُ قَدْ ضُرِبْتُمْ.
زده شده باشد: یَكُونُ قَدْ ضُرِبَ.	زده شده باشند: یَكُونُونَ قَدْ ضُرِبُوا.

### فعل مستقبل

زده خواهیم شد: سوف نُضربَ.	زده خواهم شد: سوف أُضربَ
زده خواهید شد: سوف تُضربونَ.	زده خواهی شد: سوف تُضربَ.
زده خواهند شد: سوف يُضربونَ.	زده خواهد شد: سوف يُضربَ.

### مضارع التزامی

زده شویم: يُضربَ.	زده شوم: أُضربَ.
زده شوید: تُضربونَ.	زده شوی: تُضربَ.
زده شوند: یضربونَ.	زده شود: یضربَ.

### مضارع اخباری

زده میشویم: نُضربَ.	زده میشوم: أُضربَ.
زده میشوید: تُضربونَ.	زده میشوی: تُضربَ.
زده میشوند: یضربونَ.	زده میشود: یضربَ.

### موارد استعمال فعل مجهول<sup>(1)</sup>

- 1 - وقتی که فاعل معلوم نباشد.  
کیف دزدیده شد (در حالی که نمی دانیم چه کسی کیف دزدیده است؟).
- 2 - وقتی که گوینده توجه به فعل دارد و فاعل فعل مورد نظر او نیست: خیابان کنده شده است: (کنده شدن خیابان مورد توجه و نظر است نه فاعل).
- 3 - گوینده عمداً نخواهد نام فاعل را به میان آورد با اهمیت فعل و مفعول مطرح باشد:  
علی کشته شد.

### طرق دیگر در ساختن فعل مجهول

- میتوانیم فعل مجهول بطرق دیگر بسازیم یعنی بدون بکار بردن شیوه های قیاسی که در گذشته مزبور بود بسازیم و آنها عبارتند از:
- ا. اسم مفعول عربی + تصریف ان یا هستم، مثال:-  
مرسول هستم: انا مرسل (ارسالت).
  - ب. صفة فارسی + تصریف ام یا هستم، مثال:

آماده ام: انا مهیء ( هیئت).

ج. اسم مفعول عربی + تصریف یکی از افعال (بودن، شدن، گشتن)، مثال: مقتول بود: کان مقتولاً (قتل).

د. صفة فارسی + تصریف از افعال (بودن، شدن، گشتن):

مطرود شد: صار مطروداً (طرد).

مقایسه ای میان فعل لازم و مجهول<sup>(1)</sup>

گله گلهی از لحاظ معنیها و دلالت فعل لازم و مجهول نسبت به هم مخلوط و آمیخته میشوند بو یژه نزد دانشجویان عربی و آنرا بطوری روشن در بکار بردن فعل معین (شد) در فعل لازم میباشد، تعبیر دی گو واژه (شد) احیاناً نزد دانشجویان عربی نشانه فعل مجهول بشمار میرود حال آنکه این امر شیوه دیگو داشت که از شرح زیر روشن خواهد شد. در وهله اول باید بدانیم که فعل لازم آن فعلی است که معنایش با فاعل تنها می شود، مثال: علی نشست (جلس علی)، محمد برخاست (قام محمد)، گنجشک برید (طار العصفور)، حالاتی که در آنها فعل لازم میآید از این قرار است:

- 1 - افعالی که بر حرکت دلالت کنند، مانند: ذهب (رفت)، رجع (برگشت).
- 2 - افعالی که هیئت یا شکل را برسانند، مانند: قصر (کوتاه شد)، استدار (گود و مدور شد).
- 3 - افعالی که بر رنگ و عیب دلالت داشته باشند، مانند: غضب (خشم گین شد)، فرح (شاد شد)، از مثالها بالا نتیجه میگیریم که فعل (شد) پس از صفة فعل لازم را میرساند مانند صفات: کوتاه، کرد و مدور، کج، سیر، خالی، پاک، بلید، خشمگین، شاد، که در جملات و امثله بالا ذکر شده است. اما تصریف (شدن) پس از اسم مفعول فعل مجهول را میسازد، مانند: گرفته شد (اخذ)، گرفته می شود: (یؤخذ)، گرفته خواهد شد: (سیؤخذ). گفته شد: (قیل)، گفته می شود: (یقال).

## منابع و مأخذ

### منابع و مأخذ فارسی

1. آموزش زبان فارسی، ید الله ثمره، تهران، 1369 ش، چاپ دوم.
2. تاریخ زبان فارسی، پرویز خانلری، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، 1352.
3. در مکتب استاد، سعید نفیسی، تهران، تاریخ چاپ نامعلوم.
4. دستور زبان فارسی و فنون ادبی، سعیدیان عبد الحسین، تهران، چاپ دوم.
5. دستور زبان فارسی، طلعت بصاری، تهران، 1345 هـ. ش.
6. دستور زبان فارسی، عبد العظیم قریب و محمد تقی بهار و بدیع الزمان فروز انفر ورشید یاسمی و جلال همائی، تهران، تاریخ چاپ نامعلوم.
7. دستور زبان فارسی، برویز صالحی، تهران، چاپ اول، 1371.
8. دستور زبان فارسی، حسن احمدی گیوی و حسن انوری، تهران، 1370.

9. زبان شناسی و زبان فارسی، پرویز خانلری، تهران، 1333 هـ. ش.
10. سبک شناسی، محمد تقی بهار، تهران، 1331.

## منابع و مأخذ عربی

1. اقرأ الفارسية وتحدث بها، صادق نشأت، مصر: 1958.
2. في اللغة الفارسية وآدابها، السباعي، محمد السباعي، القاهرة: 1975.
3. قواعد اللغة الفارسية، حسين علي محفوظ ومحمد تقى الزهتابي، بغداد: 1972.
4. القواعد الاساسية لدراسة الفارسية، د. امين ابراهيم الشواربي، مصر: 1956.
5. القواعد والنصوص الفارسية، فؤاد عبد المعطي الصياد، بيروت، ط2.
6. قواعد اللغة الفارسية، عبد النعيم محمد حسنين، مصر: 1970.
7. قواعد اللغة الفارسية، بديع محمد جمعة، بيروت: 1977.
8. دروس في اللغة والادب الفارسي، نور الدين آل علي، القاهرة: 1978.
9. المجموعة الفارسية، محمد التونجي، دار الفكر، 1969.

## خلاصه و نتیجه گیریها

فعل متعدی بر دو قسم است: فعل معلوم وفعل مجهول، فعل معلوم فعلی است که فاعل آن معلوم باشد، فعل مجهول فعلی است که از فاعل آن به علتی یا سببی نام برده نشده باشد و آن را به مفعول نسبت داده باشند، آن دو فعل بکار برده های زیاد در زبان محاوره ای و روزمره داشتند و جزئیات و همه ابعاد آن موضوع از لحاظ مقایسه ای با فعل مجهول و معلوم در دستور زبان عربی کاملاً مورد بحث و بررسی نزد مؤلفان منابع دستور زبان فارسی نشده از اینجا که این بحث و بررسی به شیوه<sup>۴</sup> دیگری وبا افزودن ابعاد دیگری مورد بحث و بررسی قرار گرفت، پژوهشگرگو به نتایج زیر رسیده است:-

1 - از لحاظ دلالت افعال لازم و مجهول و نقش آن مطابقت با زبان عربی داشتند بتعبیر دیگری همانطوری که فعل مجهول در زبان فارسی به مفعول نسبت داده میشود نیز در زبان عربی به مفعول نسبت داده میشود. و خود اصطلاح (فعل مجهول) را میگیرد.

2 - گله گلهی فعل لازم از لحاظ بکار بردن فعل معین (شد) که پس از صفة استعمال میشود ظاهراً همانندی با فعل مجهول داشت حال آنکه این امر منحصر به آوردن (شد) پس از صفة ولی (شدن) و تصاریف گوناگون آن بعد از اسم مفعول بکار برده میشود.

3 - غیر از طرق قیاسی برای ساختن فعل مجهول طرق غیر قیاسی دیگری هم داشت.

4 - هر گله فعلی توسط یکی از حروف اضافه متعدی شود، دارای يك صیغه<sup>۴</sup> ماضی مجهول و يك صیغه<sup>۴</sup> مضارع مجهول میباشد.

## الخلاصة

يأتي هذا البحث لتسليط الضوء على اوجه استعمال الفعل المعلوم والمجهول بين اللغة العربية واللغة الفارسية واساليب القياس والتصريف في كلا اللغتين خصوصاً وان استعمال صيغ هذا الفعل منتشرة بكثرة في اللغتين الفصحيتين الفارسية والعربية واستخدامهما كذلك في كلا اللهجتين العربية والفارسية ايضاً...؛ اذ كثيراً ما يعاني طلاب الفارسية من التقصير والصعوبة في فهم هذا الفعل فيؤكثب القواعد الفارسية واعتمادها على اسلوب ومنهج واحد في شرح مادة هذا الموضوع، لذا اقتضت الحاجة الى توضيح مفاهيم هذا الموضوع واساليب استخدامه من خلال اعتماد منهجية توضيح الفعل المجهول واساليبه في العربية واوجه الاختلاف والتقارب الدلالي بين الفعلين وبذلك تكون الصورة واضحة وسهلة للطالب والباحث على حد سواء بهذا الخصوص، اذ تم تعريف المجهول من المعلوم وطرق تكوين المجهول ومن ثم المقارنة بين الفعل اللازم والمجهول بهذا الخصوص.